

افغانستان: تضمین موفقیت

۲۴ و ۲۵ حوت ۱۳۸۷ در دوبی

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ

(سورة الرعد، آیه ۱۱)

افغانستان امروز در یک مقطع دشوار و پر خطر قرار دارد. با اینوجود مردم ما آمادگی و آرزوی شان برای پذیرش دموکراسی، امنیت، توانمندی اقتصادی و ثبات سیاسی را از دست نداده اند. اگرچه این خواست ها در سال های بعد از سقوط طالبان قابل دسترس به نظر می رسید، اما پیشرفت ما امروز با تهدید جدی رو به رو است. در حالی که برخی ها در گوشه و کنار جهان می گویند که افغان ها قادر به ایجاد یک دولت مؤثر نبوده و آماده پی ریزی و استحکام یک نظام مردم سالار نیستند و یا آماده گی ندارند تا به جهان مدرن بپیوندند. ما این کژ اندیشی ها را به شدت رد می کنیم، اما این بینش ها آشکارا نمایانگر این است که جامعه جهانی حوصله و اطمینانش را به ما از دست میدهد. وضعیت کنونی جدی است و ما باید با پذیرفتن کمبودهای خود از گذشته بیاموزیم و به نیازهای کنونی به طور سریع و مناسب پاسخ بدهیم.

جامعه بین المللی با سخاوت و فداکاری بسیار سعی کرده تا به ما کمک و از ما حمایت کند. برعلاوه آنها هم -- چنان که در هر مأموریت بزرگ احتمال می رود - در افغانستان اشتباهاتی کرده اند. نیروهای نظامی بین المللی تاکنون سازماندهی، استراتژی، برنامه ها و قابلیت های مناسب برای تأمین امنیت مردم افغانستان را نیافته اند. به مسئله پناهگاه های مخالفین مسلح در پاکستان توجه کافی و به موقع نشد. افزایش تلفات غیرنظامی، همکاری های تکتیکی با عناصر نا مطلوب، تلاشی های بیمورد منازل و حملات عجو لانه و محاسبه نشده، با انزجار بخشی از مردم ما در مورد حضور این نیرو ها رو برو گردید. به همین ترتیب، تلاش های بین المللی در عرصه غیرنظامی به درستی هماهنگ نشده و بخش اندکی از منابع اختصاصی کمک به افغانستان به مردم ما رسیده است. به همین دلیل برخی از مردم نا امید و مایوس هستند. با این وجود، بهبود اوضاع ممکن و ضروری است. ایالات متحده و جامعه بین المللی سرگرم بازبینی سیاست خود در قبال افغانستان هستند. این فرصتی برای احیای تعهد آنها و بهبود استراتژی و برنامه های شان برای یافتن راه های مؤثر همکاری در جهت نیل به پی آمدهایی است که منافع همه را تأمین می کند: یک افغانستان باثبات،

مردم سالار و آباد که تهدیدهای منطقه ای و بین المللی را در خود جا نمی دهد و عضو مسؤول و مفید جامعه بین المللی است.

از سوی دیگر لازم است اشتباهاتی که ما مرتکب شده ایم بازبینی شود. اداره ضعیف، فساد و بی میلی رهبران و نخبگان ما برای فراتر رفتن از جاه طلبی های فردی یا منافع گروه ها و دوستان خودشان به مشروعیت نظام در میان مردم افغانستان لطمه زده است. این عوامل نامطلوب همچنین باعث شده است برخی ها در جامعه بین المللی از رسیدن به هدف ایجاد یک دولت مردم سالار و کارا در افغانستان فاصله گرفته به ایجاد آن کم علاقه شوند. برای رفع این سرخوردگی دوجانبه، ما افغان ها باید عملکرد خود را بازنگری کنیم و تغییرهای لازم را در آن به وجود آوریم. ما باید بر این چالش ها فائق آییم.

اما، احتمال این خطر می رود که ما در این مسیر متزلزل شویم. در هفته ها و ماه های آتی، خطر این است که تصمیم های ناجبا و دستورکارهای خطرناک ما را بیش از این درجریان فروبرد. بعضی ها، منافع فردی و گروهی را فراتر از بقای ملی و رفاه عمومی قرار می دهند. این رفتار غیر هوشمندانه، در سطح ملی و بین المللی به دل زده گی و بدبینی به روند سیاسی ما خواهد افزود. و کوتاهی نخبگان سیاسی و اداری ما در فائق آمدن بر این وضعیت ممکن است باعث شود جامعه بین المللی چنین نتیجه گیری کند که افغان ها « از عهده صلح بر نمی آیند ». امکان دارد جامعه جهانی بار خود را ببندد و افغانستان را ترک کند. در آن صورت، یک وضعیت توأم با بی نظمی و خونریزی مشابه جنگ های داخلی گذشته به احتمال قوی بر خواهد گشت. کشور ما به مناطق تحت اداره شبه نظامیان متعدد تقسیم خواهد شد که برای استیلاطلبی به طور متداوم جنگ خواهند کرد. هراس افکنان بین المللی برای بار دیگر سر زمین ما را اشغال خواهند کرد و از آن به عنوان آموزشگاهی برای برافروختن خشونت و خصومت ها در سراسر جهان استفاده خواهند کرد. همسایگان احتمالاً هدف های خود را با پشتیبانی از شبه نظامیان دخواه خود تعقیب خواهند کرد. مردم ما یک فرصت طلایی را از دست خواهند داد. وبدینترتیب امکان دارد ما هرگز دوباره به چنین فرصتی دست نیابیم.

این فرصت ها و تهدیدها ایجاب می کنند تا ما-افغان ها-امور خود را نظم بخشیم. مردم ما به عدالت، صلح و ایجاد یک افغانستان مدرن باور دارند. ما خواهان افغانستانی هستیم که در آن تمام شهروندان در مقابل قانون برابرند، از حقوق همه افراد حمایت می شود و هر شهروند- بدون در نظر داشت قوم، جنسیت، طبقه یا ثروت-برای بقا و رشد، فرصت برابر بیابد. هر یک از ما که آرزوی چنین افغانستانی را دارد، باید گام به جلو بگذارد و نقش خود را ایفا کند. برای تحقق این هدف، همچنین لازم است تا جامعه بین المللی مساعی خود را بهتر برنامه ریزی، تنظیم و تأمین کند.

حال و آینده بیش از سی میلیون از مردم ما و امنیت منطقه ای و بین المللی مستلزم موفقیت در افغانستان است. با این روحیه فوریت، وضاحت، اراده و تمرکز، با تاکید و احترام به اساسات جمهوری اسلامی افغانستان و ارزشهای قانون اساسی کشور، ما-اشتراک کنندگان کنفرانس «افغانستان: تضمین موفقیت»-موارد زیر را تأیید می نماییم:

- **رهبران سیاسی ما باید برای کسب اعتماد مردم کار کنند.** اعتماد عمومی به رهبری و هدایت کشور برای رفع تهدیدهای کنونی به امنیت، ثبات و پیشرفت ما حیاتی است. این امر مستلزم رهبری سنجیده و پاسخگو در سطوح ملی و محلی، نهادهای پاسخگو و گونه ای از رهبری است که به پایه فکری، مردمی و بین المللی خود باورمند باشد. رهبران فعلی و در حال ظهور افغانستان باید به وظایف خود چون وظایف پدران و مادران مؤسس یک نظام نوین و درستکار بنگرند. خودخواهانه عمل کردن نادرست و بی موقع است، زیرا اگر روزه فرصت های موجود از دست برود، غنای فردی و گروهی هیچ کس و گروهی نمی تواند بلایایی احتمالی در آینده را جبران کند.

- **رهبران ما باید دیدگاه های آشکار و یک استراتژی واضح را در مورد آینده افغانستان تدوین و تصریح کنند.** این کار برای جلب و کسب مجدد اعتماد مردم لازم است. سیاست ما نمی تواند فقط متمرکز بر اشخاص باشد. در عوض، سیاست ما باید بر اساس دیدگاه ها، چشم اندازها و برنامه های ملی استوار باشد.

- **ما به امنیت، مردم سالاری، حقوق بشر و حاکمیت قانون متعهد هستیم.** جنگ ما را به ستوه آورده است و از آن بیزاریم. ما آرزوی بنیان یک زندگی آبرومندانه، تعلیم کودکان ما و خدمات صحتی برای خانواده های خود را داریم. ما به دنبال پایه های شگوفایی دایمی و زیربنا هایی چون جاده، برق، آب و ارتباط با بازارهای جهانی هستیم. ما می خواهیم یک جامعه مدنی فعال و یک روند سیاسی شفاف را در کشور خود ایجاد کنیم. از این لحاظ، امیدها و رؤیاهای ما از امیدها و رؤیاهای سایر مردمان جهان تفاوت ندارد.

- **ما هراس افکنی (تروریزم) و شورش را رد می کنیم.** شکست دادن هراس افکنان و شورشیان برای قرار دادن مجدد افغانستان در مسیر شگوفایی ضروری است. این نیاز اصلی جهان نیز است. همانگونه که وقایع گذشته نشان داده، اگر هراس افکنان و همقطاران آنها بر افغانستان حاکم شوند، این تهدید به مرزهای ما «محدود» نخواهد ماند.

- **ما خواهان یک حکومت ملی باکفایت هستیم.** برخلاف نظریات بعضی ها در خارج مبنی بر اینکه افغان ها هیچ گاهی حکومت پسند نبوده اند، و بدولت سازی نباید توجه شود، ما خواستار ایجاد حکومت باکفایت در سراسر کشور هستیم. سپردن بخش هایی از افغانستان به عناصر محلی ناپاسخگو و ناسنجیده است و برای افغان ها یاد آور

جنگ سالاریست . بر علاوه مردم ما خواهان حکومت باکفایت، نماینده و پاسخگو در سطح محلی نیز هستند. ما می دانیم که امکان ایجاد و حفظ یک حکومت مرکزی مشروع و کارا در افغانستان تنها در صورتی وجود دارد که چنین حکومتی بر اساس ترکیب فعال و سالم اداره مرکزی و ادارات محلی استوار باشد.

ما خواهان ایجاد میکانیزم های در سطح محل هستیم که در آن مسئولین اداری محلی در مقابل مردم پاسخگو بوده، صلاحیت های مالی بودیجی را دارا و زمینه های انتخابی شدن این موقف در طویل مدت فراهم گردد.

- **ما رابطه مستقیم میان اداره سالم و امنیت را درک می کنیم.**
تعیین مدیران محلی پاسخگو بر اساس شایستگی و بعد از بررسی جدی سوابق آنها و حمایت لازم از کار گزاران شایسته می تواند سطح ارائه خدمات را افزایش دهد و یکی از عوامل شورش را از بین ببرد. ما آگاهیم که یک عامل نارضایتی مردم در بسیاری از مناطق، وخامت سطح زندگی مردم عادی به دلیل حضور مدیران ومسولین فاسد و استفاده جو ست، که در صورت وجود مدیریت سالم رفع خواهد شد.

- **ما باید امنیت شبانه شهروندان را تأمین کنیم.** نیروهای افغان و بین المللی باید یک استراتژی را برای اداره مناطق مورد منازعه در جریان شب طرح و اجرا کنند. اغلباً شورشیان از عملیات در جریان روز اجتناب می کنند ، زیرا گزمه نیروهای محلی و بین المللی در آن زمان فعال است. با این وجود، در بسیاری از قریه ها-در جنوب و جنوب شرق-شورشیان فرماندار و صاحب اختیار شب هستند. اگر ما امنیت شبانه را در مناطق برقرار نکنیم، کسب اعتماد کامل مردم و سرمایه گذاری بر نظام دشوار خواهد بود.

- **ما به پولیس باکفایت و قوه قضائیه قوی برای رسیدگی به جرایم گسترده نیاز داریم.** اردوی ملی ما در حال تبدیل شدن به یک نهاد قابل اتکا است، اما نیروی پولیس ما هنوز در وضع غیر قابل قبولی قرار دارد. رسیده گی به مشکل نیروی پولیس ناکافی، از طریق عجله در ایجاد و تشکیل مجدد شبه نظامیان ممکن نیست. این کار نتیجه معکوس دارد. باید از توسعه موفقانه اردوی ملی افغان به عنوان الگوی آموزش پولیس استفاده شود. افغانستان دیگر تحمل جرایم سازمان یافته را ندارد و اقتصاد آن بدون رسیدگی به معافیت سازمان یافته نمی تواند رشد کند. ما افغان ها از روندهای قضایی عادلانه برای استقرار حاکمیت قانون و اجرای قوانین بر همه، قطع نظر از قدرت آنها، حمایت می کنیم.

- **ما فداکاری تمام افغان ها را گرامی می داریم و به ارواح شهدای راه آزادی و جهاد درود میفرستیم.** افغان هایی که شجاعانه در خط مقدم جنگ علیه دشمنان می جنگند و دختران و پسران افغانستان که برای تحصیل علم و دانش در راستای یک آینده روشن تر قبول خطر می کنند، دین بزرگی بر ما دارند. ما نسبت به همه ای این انسان های مورد ستایش، مسولیت داریم و باید برای آنها در تأمین یک آینده بهتر خود را مسوول بدانیم.

- **ما فداکاری شرکای بین المللی خود را در تلاش برای ایجاد یک ملت خودکفا گرامی می داریم.** ما خدمت مردان و زنان شجاع ملت های دوست و شریک افغانستان را گرامی داشته و اطمینان می بخشیم که یک افغانستان با ثبات نقش خود را در یک نظم منطقه ای و بین المللی صلح آمیز ایفا خواهد کرد. ما از استقرار سربازان بین المللی بیشتر در کشور استقبال می کنیم-افغان ها به سربازان نیروهای بین المللی به عنوان اشغال گر نگاه نمی کنند. اگرچه افغانستان درک می کند که تاهنوز به کمک بین المللی نیاز دارند، اما ما در نهایت تلاش داریم تا یک عضو خودکفای جامعه بین المللی شویم. بنابراین، ما خواستار آموزش، تجهیز و پایداری بیشتر نیروهای امنیتی افغان برای رفع تهدیدها به امنیت و ثبات خود هستیم.

- **ما طرفدار مصالحه هستیم.** اگرچه اقدام نظامی به تنهایی برای شکست دادن شورشیان و پایان دادن به جنگ در افغانستان کافی نیست، اما مصالحه با شورشیان باید بسیار محتاطانه تعقیب شود. مصالحه نباید به قیمت عدول از دستاوردهای اساسی هفت سال گذشته بشمول دست آوردهای چون قانون اساسی مرفقی و شناسایی حقوق زن تمام گردد. مذاکره با شورشیان تنها در صورتی می تواند نتایج مطلوب را به بار آورد که روزه کنونی آسیب پذیری مسدود شود. ما از مذاکره از موضع قدرت سودمند می شویم، اما اگر شورشیان در مذاکره دست بالا داشته باشند، به جایی نخواهیم رسید.

- **ما بر توسعه ملی متوازن تأکید می کنیم.** با آن که مناطق جنوبی و شرقی افغانستان به دلیل نزدیکی این ساحات با پناهگاه های امن طالبان و آسیب پذیری متعاقب این نقاط مستلزم تمرکز خاص است، اما این امر نباید به قیمت غفلت از نواحی مرکزی و شمالی افغانستان تمام شود. منابعی که به افغانستان اختصاص می یابد و عوایدی که در افغانستان تولید می شود، باید منصفانه با تمام مردم افغانستان شریک شود.

- **ما به اشتغال زایی و استفاده بهتر از نیروی کار خود نیاز داریم.** بیش از شصت درصد از نفوس افغانستان زیر سن بیست و پنج سال قرار دارد. اکثر این جوانان و دیگر گروه ها از نفوس افغانستان بی کار هستند. به شبه نظامیانی که اخیراً غیرنظامی شدند، وعده کار سپرده شد، اما تعداد کمی از آنها صاحب کار شدند. اگر ما راه هایی را برای استفاده از نیروی کار آماده در کشور پیدا نکنیم، شورشیان با خشنودی از این فرصت برای استخدام آنها استفاده خواهند کرد.

- **ما بر اهمیت سرمایه گذاری به تعویق افتاده در انکشاف بشری تأکید می کنیم:** تحصیلات عالی و تکنیکی در افغانستان از سرمایه گذاری مادی کافی و توجه رهبری ملی و بین المللی برخوردار نبوده

است. یک ائتلاف متشکل از موسسات بین المللی و برنامه های کمک رسانی، موسسات خصوصی محلی و خارجی و سازمان های مربوطه در دولت افغانستان باید در این بخش با هم برای: بالا بردن معیارها، ایجاد فرصت های بیشتر، تجهیز با کیفیت تر - فکری و مادی- تسهیلات فعلی و جدید، و متناسب ساختن سازمان های تحصیلی با فرصت های شغلی کار کنند. برای تبدیل تعداد رو به رشد فارغ التحصیلان مکتب به معلمین، پرستاران/نرس ها، داکتران، انجیران، هنرمندان، نویسندگان، و متشبثین خصوصی جوان و دیگر سازنده گان و اعمار کننده گان جامعه، در کنار معیارهای منصفانه ارزیابی به مشوق های بهتر نیاز داریم. افغانستان برای رشد اقتصادی نیاز به مدیران و کارگزاران مسلکی امور زراعت دارد، و تعداد زیاد از جوانان برای کار در این عرصه باید تشویق گردند.

- **ما خواهان رابطه و همکاری سالم با همسایگان خود هستیم.** منافع افغانستان در امنیت، ثبات و آمیزش اقتصادی در آسیای جنوبی و آسیای مرکزی نهفته است. ما از همسایگان خود می خواهیم تا درک کنند که ما پیشرفت خود را در شگوفایی آنها می بینیم. یک افغانستان بی ثبات که در جن زار خشونت داخلی گیر کرده باشد، نمی تواند به نفع هیچ یک از همسایگان ما باشد. ما از همسایگان خود توقع داریم تا به افغانستان چون میدانی برای رقابت و جنگ بر سر گسترش نفوذشان نگاه نکنند، بلکه ما را پلی برای شگوفایی منطقه ای به شمار آورند که می توانیم آن را با هم از طریق صداقت و همکاری خالصانه و پی گیری درست منافع مشترک مردمان خود ایجاد کنیم.

- **ما از یک پرداخت حقوق منصفانه تر برای کارمندان خدمات ملکی و نظامی طرفداری می کنیم.** این یک امر حتمی است تا مقیاس پرداخت کارمندان حکومت به خصوص معلمان، مأموران پولیس و سایر کارمندان خدمات ملکی و نظامی برای پاسخ به مطالبات زندگی در افغانستان اصلاح شود. حکومت می تواند حسن نظر مردم را با رفع خلأ و نابرابری و ناعادلانه فعلی در بین معاش یک اقلیت محدود و عموم کارمندان خدمات ملکی و نظامی به دست آورد.

- **ما خواهان تنظیم مجدد ساختار فرماندهی حضور نظامی بین المللی در افغانستان و اصلاح عملیات ها و تاکتیک های نظامی هستیم.** الگوی استقرار نیروهای نظامی یک کشور در سطح ولایتی مسبب سردرگمی محلی و تأثیر بر عملکرد در سطح ملی شده است. این حالت به دلیل فقدان یک رویکرد متحد در رسیدگی به هراس افکنان و شورشیان به وجود آمده است. از این گذشته، در رویکردهای عملیاتی که به تلفات غیرنظامی مفرط و حمله به خانه ها منجر شده است، باید تجدید نظر شود. گرچه ما درک می کنیم که شورشیان فعالانه از غیرنظامیان به عنوان سپر استفاده می کنند و جان آنها را با عمل در مناطق غیرنظامی به مخاطره می افکنند، اما افتادن در دام آنها با حمله به غیر نظامیان فاجعه آفرین است. این نیز ضروری است تا غرض تنظیم امور نظامی نیروی های بین المللی و موافقه در خصوص چگونگی و نحو حضور و عملیات آنها توافق حاصل شود.

- **ما باید قاچاقچیان مواد مخدر را هدف قرار دهیم.** در زمینه مبارزه با مواد مخدر، تمرکز تلاش های ما باید از بحث پیرامون مزایا و معایب سم پاشی هوایی و محو زمینی به جلوگیری از قاچاق انتقال یابد. افزایش شمار ولایت های عاری از کوکنار در هر سال یک شاخص گمراه کننده است. در اکثر ولایت های «عاری از کوکنار»، محصولات غیرقانونی دیگر ریشه دوانده است. ما باید از تجارت مواد مخدر توسط قاچاقچیان جلوگیری کنیم. این مؤثرترین راه برای کاهش تولید و تجارت مواد مخدر در افغانستان است. استفاده از نیروی قهری/اجباری در هدف گرفتن قاچاقچیان مواد مخدر لازم است.

- **ما از شرکای بین المللی خود می خواهیم تا به منظور طرح یک استراتژی مشترک برای اطمینان از موفقیت در افغانستان وارد بحث شوند.** در گذشته، به جای این که تلاش های خود را با هم برنامه ریزی و اجرا کنیم، ما اغلباً در زمینه های جداگانه کار کردیم. افغان ها درک می کنند که ما نمی توانیم بدون حمایت و منابع بین المللی موفق شویم. ما همچنین باور داریم که موفقیت های بزرگ تاکنون در افغانستان زمانی عملی شده است که جامعه بین المللی بر قابلیت افغان ها سرمایه گذاری کرده است. تنها با استراتژی، سیاست گذاری، برنامه ریزی و اجرای مشترک است که ما می توانیم هدف های مشترک خود را به بهترین شکل عملی کنیم.

افغانستان به هیچ وجه نباید به عقب برگردد بلکه به جلو در مسیر پیشرفت و ترقی حرکت نماید. جامعه جهانی در حالیکه سیاست های خود را باز نگری مینماید، نباید توقعات خود را محدود ساخته و یا آنها را پایین آورد. زیرا در شرایط و ضرورت های افغانستان و آروزها و اهداف ما افغانها از زمان سقوط طالبان تغییر ایجاد نشده.

خداوند "ج" این تلاش ما را کامیاب ساخته، افغانستان و آنهای را که برای موفقیت افغانستان کار میکنند در پناه و رحمت خود داشته باشد. **و من الله توفیق**